

بررسی مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا در ترجمه‌های آلمانی قرآن

فرح نارنجی^{*۱}

دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران

محمدحسین حدادی^۲

استادیار زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران،
ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۰۸، تاریخ تصویب: ۹۲/۰۷/۰۷)

چکیده

ترجمه قرآن به زبان آلمانی یکی از راه‌های شناخت این کتاب مقدس در کشورهای آلمانی‌زبان است. متأسفانه، نارسایی‌های موجود در بسیاری از ترجمه‌های قرآن، خواننده را به این هدف و غایت خاص نمی‌رساند. هدف اساسی پژوهش حاضر، شناسایی عوامل اصلی آسیب‌زا در ترجمه‌های آلمانی قرآن از آغاز تاکنون به منظور کاهش آسیب‌پذیری ترجمه با بیان راهکارهای لازم است. یافته‌های جستار پیش رو نشان می‌دهد که چهار عامل اصلی ترجمه را به چالش می‌کشاند: ۱. آسیب‌های ساختاری (صرفی، نحوی، دستوری و ...)، ۲. آسیب‌های فقهی (بی‌اطلاعی مترجم از علم فقه و ناتوانایی وی در درک آیات الاحکام)، ۳. آسیب‌های واژگانی (معادل‌یابی واژگان و حفظ یکدستی و نظام‌مندی در ترجمه)، و ۴. آسیب‌های مبانی کلامی و گرایش‌های فکری (عوامل فرازبانی). مقاله حاضر ضمن بررسی دقیق این عوامل آسیب‌زا در ترجمه‌های مختلف آلمانی قرآن، راهکارهایی را برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌کند. واژه‌های کلیدی: آسیب‌های ساختاری، آسیب‌های فقهی، آسیب‌های مبانی کلامی و گرایش‌های فکری، آسیب‌های واژگانی، ترجمه، قرآن.

۱. (نویسنده مسئول) تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۹۷، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: farah.narendji@yahoo.com

۲. تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۹۹، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: Haddadi_M_H@yahoo.com

مقدمه

تاکنون ترجمه‌های متعددی از قرآن کریم را مترجمان آلمانی زبان، با اهداف و اغراض متفاوت، انجام داده‌اند. برخی از آنان همانند سالمون شوایگر (۱۶۱۶)، فریدریش مگرلین (۱۷۷۲) و میزا بشیرالدین محمود احمد، خلیفه دوم فرقه قادیانیه (۱۹۵۴) تعصبات و گرایش‌های مذهبی را در ترجمه دخالت داده‌اند. بعضی همانند فریدریش روکرت (۱۸۸۸) از شیوه بلاغت قرآن تقلید کرده‌اند و بعضی دیگر همانند رودی پارت (۱۹۶۶) یا عادل تئودر خوری (۱۹۸۷) تلاش کرده‌اند تا پیش از پرداختن به ترجمه، درباره قرآن و اسلام تحقیق کنند و اثری علمی پدید آورند. نوع نگرش مترجمان و روند ترجمه آن‌ها مورد توجه بسیاری از محققان واقع شده است، از جمله در مقالات «بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی» (درخشان مقدم و نارنجی، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۴)، «نگاهی به ترجمه‌های حاضر به زبان آلمانی» (رادشایت، ۱۳۸۶: ۷۸-۱۰۸)، «تصویر اسلام در ترجمه‌های آلمانی قرآن» (هاگاک، ۲۰۰۱: ۱۷۵-۱۹۶)، «نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از خانم زیگرت یمینی» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۸)، «نقد و بررسی ترجمه آلمانی قرآن، متعلق به فرقه قادیانیه با استناد به سوره حمد» (حدادی و نارنجی، ۱۳۸۸: ۸۷-۹۹).

این مقاله بر آن است که با نگاهی نو به بررسی عوامل آسیب‌زا در ترجمه‌های آلمانی قرآن بپردازد. آسیب‌شناسی این ترجمه‌ها از آن جهت اهمیت دارد که کاستی‌های موجود در زمینه‌های مختلف، اعم از قواعد زبان عربی و ساختارهای آن را به منزله روساخت قرآن و مفاهیم والای آیات آن را به منزله ژرف‌ساخت آشکار می‌سازد. همچنین، در بررسی این ترجمه‌ها مشخص می‌شود که عوامل فرازبانی، مانند مبانی کلامی و گرایش‌های فکری، در آسیب‌پذیری ترجمه‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند. مقاله حاضر در صدد است با پاسخ به این پرسش اساسی که «عوامل آسیب‌زا در ترجمه‌های آلمانی قرآن کدام‌اند؟» دلایل خطای مترجمان را بررسی و تبیین کند تا در راستای آن بتوان راهکارهای لازم را برای ترجمه‌ای دقیق و بهینه از قرآن به دست آورد.

بحث و بررسی

آسیب‌های ترجمه قرآن به موارد زیر تقسیم می‌شود.

۱. آسیب‌های ساختاری ترجمه

عدم شناخت یا بی‌توجهی به نظام ساختاری و دستور زبان مبدأ و مقصد موجب خطاهای متعددی در ترجمه می‌شود. این لغزش‌ها را می‌توان در مباحث مختلف دستوری بررسی کرد که به علت طولانی‌شدن بحث، به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود.

* تلقی مفهوم شرط از «إن» مخفّفه

در برخی از آیات قرآن کریم، نکته‌های ادبی ظریفی وجود دارد که بی‌توجهی به آن‌ها انسان را از درک مفهوم درست آیه دور می‌سازد. کسی که در آیات قرآن تدبیر می‌کند، باید علاوه بر جمله‌ها، در مفردات و حتی در حروف آن‌ها دقت کافی کند تا به معنای درست آیه پی‌ببرد، زیرا اشتباه در فهم حتی یک حرف از حروف قرآنی یا نادیده گرفتن آن، گاه مفهوم آیه را دگرگون می‌سازد و حتی باعث کج‌فهمی و تحریف مفهوم آیه نیز می‌شود. یکی از این موارد «إنّ مخفّفه از ثقیله» است که در ۲۴ آیه از قرآن کریم به کار رفته است^۱ و در ترجمه آن باید مانند «إن» از ادوات تأکید و تحقیق به معنای «بی‌تردید، مسلماً، حتماً و مانند آن» به کار رود (کرباسی، ۱۳۷۴: ۴۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۸۰). اما بعضی مترجمان به این نکته بی‌توجه‌اند و «إن» را وصلیه یا شرطیه به معنای «هرچند یا اگرچه» ترجمه یا آن را برای فهم بیشتر و روانی کلام و سازگار بودن با ادبیات زبان مقصد حذف کرده‌اند. تردیدی نیست که ترجمه کلام خدا با سایر متون یکسان نیست و اهمیت و دقت ویژه‌ای می‌طلبد، لذا این نکات نباید از دید مترجم پنهان بماند زیرا ترجمه قرآن باید آیینۀ تمام‌نمای اصل باشد (ر.ک. معرفت، ۱۳۸۳: ۱۸۳؛ عظیم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

برای مثال در آیه «وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...» (بقره/ ۱۴۳)، واژه «إن» مخفّفه از منقلبه است به این دلیل که «لام» در «لكبيره» مفتوح است. پس برای آن تنها معادل‌های «حتماً، مسلماً و مانند آن» مناسب است که مفهوم تأکید دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۸۰). این مسئله محور اصلی اختلافات را در ترجمه‌های آلمانی قرآن تشکیل می‌دهد که به چند روش بیان شده است.

۱. آیه‌های: بقره/ ۱۴۳، ۱۹۸؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ انعام/ ۱۵۶؛ اعراف/ ۱۰۲؛ یونس/ ۲۹؛ یوسف/ ۳، ۹۱؛ حجر/ ۷۸؛ اسراء/ ۷۳، ۷۶، ۱۰۸؛ طه/ ۶۳؛ مؤمنون/ ۳۰؛ فرقان/ ۴۲؛ شعرا/ ۹۷، ۱۸۶؛ قصص/ ۱۰؛ روم/ ۴۹؛ صافات/ ۵۶، ۱۶۷؛ زمر/ ۵۶؛ جمعه/ ۲؛ قلم/ ۵۱.

۱. مفهوم تأکید با واژگانی چون البته، مسلماً، مطمئناً و جزآن

احمد فون دنفر (۱۹۹۸):

"und es ist bestimmt eine große Sache außer für die, welche Allah rechtleitet."
«و البته این امری دشوار است، جز برای کسانی که خدا هدایتشان کرده است.»

عادل تئودر خوری (۲۰۰۷):

"Wahrlich, das ist schwer, außer für die, die Gott rechtleitet."
«حقیقتاً این امری دشوار است، جز برای کسانی که خدا هدایتشان کرده است.»

محمد ادیب زیدان (۲۰۰۰):

"Und es ist gewiß etwas Schwerwiegendes außer für diejenigen, die ALLAH rechtleitete."
«و مطمئناً این امر چیز دشواری است، جز برای آنانی که خداوند هدایتشان کرده است.»

۲. مفهوم شرط با واژگانی مانند هرچند، با آنکه، اگرچه، با وجود این، و جزآن

رودی پارت (۲۰۰۰):

"Es ist zwar schwer (was man von den Leuten verlangt), aber nicht für diejenigen, die Gott rechtgeleitet hat."
«هر چند که این امر دشوار است (آنچه از مردم خواسته شده)، اما نه برای کسانی که خدا هدایتشان کرده است.»

لودویک اولمان (۱۹۵۹):

"Manchmal fällt dies zwar schwer, doch nicht dem, den Allah leitet."
«اگرچه گاهی این امر دشوار می‌نماید، با این حال نه برای کسی که خدا هدایتش کرده است.»

البته، واژگان (هرچند، اگرچه و جزآن) نیز بیانگر نوعی تأکید بر موضوع پیشین است، اما همان‌طور که اشاره شد، ترجمه قرآن به عنوان کلام بی‌بدیل خداوند با سایر متون یکسان نیست و اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، مترجم موظف است مطابق با متن قرآن الفاظ تأکید را به صورت مشخص ذکر کند.

۳. بیان هر دو مفهوم شرط و تأکید در ترجمه

هارتموت بویسین (۲۰۰۵):

"Und wenn es wahrlich schwer ist, so nicht für die, die Gott geführt hat."

«و اگر این امر واقعاً دشوار باشد، آن‌وقت برای کسانی که خدا هدایتشان کرده است دشوار

نخواهد بود.»

با توجه به مطالب گفته‌شده، ترجمه‌هایی به صحت و واقعیت نزدیک‌ترند که «ان» در آن‌ها

از ادوات تأکید است.

* تلقی مفهوم شرط از «ان» نفی

در اینجا، درباره‌ی آیه‌ای بحث می‌کنیم که بسیاری از مترجمان قرآن به زبان آلمانی آن را برخلاف تفاسیر معتبر ترجمه کرده‌اند و به نکته‌ی مهم در این آیه توجه نکرده‌اند:

«وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (ابراهیم/۴۶)

نکته‌ی مورد نظر در جمله «وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» حرف «ان» است؛ اینکه در اینجا چه معنایی دارد و جایگاه آن در جمله چیست؟ باید توجه داشت که کلمه «لِتَزُولَ» در قرائت مشهور که قرآن‌های موجود نیز بر اساس آن نوشته شده، با کسره لام اول و فتحه لام آخر خوانده شده است. از این‌رو، اکثر قاطع مفسران و ادبا همانند طبری، فخررازی، شیخ طوسی و طبرسی تأکید کرده‌اند که «ان» در آیه مورد بحث، با توجه به مکسور بودن لام «لِتَزُولَ» نافی است (ر.ک. جعفری، ۱۳۷۹: ۶-۷؛ عظیم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۵۲). بنابراین معنای آیه فوق عبارت است از: «چنین نیست که نیرنگ کافران کوه‌ها را از جا برکنند.»

یعنی، ممکن است مکر و نیرنگ آنان در بعضی امور جزئی تأثیر داشته باشد، ولی چنان نیست که مکرشان در کارهای مهمی مثل از بین بردن کوه‌ها تأثیر کند. در اینجا قرآن و اسلام در صلابت و عظمت به کوه تشبیه شده و منظور این است که مکر کافران هرگز اسلام و قرآن را از بین نمی‌برد (همان).

از آنجا که بسیاری از مترجمان آلمانی‌زبان در ترجمه این قسمت از آیه «ان» را شرط پنداشته‌اند، ذکر نمونه‌ها و نیز بررسی و مقایسه ترجمه‌ها و توجه به قواعد عربی و نقش آن در صحت ترجمه ما را در تبیین واقعیت‌ها یاری می‌کند.

۱. مفهومی از شرط با واژگانی مانند چنانچه، گرچه، اگرچه و جز آن

رودی پارت (۲۰۰۰):

"Sie haben ihre Ränke geschmiedet. Aber ihre Ränke sind für Gott offensichtlich, auch wenn sie (derart) sind, daß davon die Berge weichen."

«آن‌ها مکر خود را به کار گرفتند. اما مکر آن‌ها نزد خدا عیان است. گرچه نیرنگشان چنان

باشد که کوه‌ها از آن نابود شوند.»

ماکس هنینگ (۲۰۰۷):

"Sie planten ihre List. Aber über ihre List entscheidet (letzlich) Allah und wären sie auch imstande, Berge zu versetzen."

«آن‌ها مکر خود را طرح‌ریزی کردند، اما در نهایت این خداوند است که درباره مکرشان

حکم می‌دهد و هرچند مکرشان نیز بتواند کوه‌ها را به حرکت درآورد.»

امیر محمد ادیب زیدان (۲۰۰۰):

"Und bereits haben sie ihre Intrigen geplant. Doch bei ALLAH sind ihre Intrigen bekannt, und obgleich ihre Intrigen so (heftig) waren, daß davon die Berge vergehen würden."

«و آن‌ها نقشه دسیسه خود کشیدند. با این حال دسیسه آن‌ها نزد خدا آشکار است و

هرچند که دسیسه آن‌ها چنان قوی باشد که از آن کوه‌ها به حرکت درآورده شوند.»

احمد فون دنفر (۱۹۹۸):

"Sie haben ihre Sache im Schilde geführt, und bei Allah ist, was sie im Schilde führten, und wenn ihr im Schilde führen etwas wäre, daß davon die Felsenberge weichen."

«آن‌ها نقشه دسیسه خود را کشیدند و تمام آن طرحی که ریخته‌اند در نزد خداست، هرچند

که نیرنگشان چنان باشد که کوه‌ها از آن نابود شوند.»

لودویک اولمان (۱۹۵۹):

"Sie bedienen sich der größten List, um sich der Wahrheit zu widersetzen, aber Gott kennt ihre List, und wäre sie auch so groß, Berge damit versetzen zu können."

«آن‌ها بزرگ‌ترین مکر خود را به کار بستند تا از حقیقت سرباز زنند، ولی مکرشان برای خدا عیان است و اگرچه مکر آنان چنان بزرگ باشد که به وسیله آن بتوانند کوه‌ها را به حرکت درآورند.»

همان‌طور که اشاره شد، اکثر قاطع مفسران و ادبا «إن» را در آیه مورد بحث و بنا بر قرائت مشهور نافیه گرفته و تنها چند نفر وصلیه بودن آن را احتمال داده‌اند که البته این احتمال نیز بسیار ضعیف است و سیاق آیه نیز آن را نفی می‌کند، زیرا آیه در مقام دل‌داری و تسلی خاطر پیامبر نازل شده است تا آن حضرت از مکر و نیرنگ کافران هراسی نداشته باشد. پس، باید نیرنگ آنان کوچک شمرده شود، و روشن است که این مفهوم با نافیه بودن «إن» سازگار است. اما، اگر آن را وصلیه یا برای تأکید بگیریم، در واقع مکر آنان بزرگ شمرده شده است؛ یعنی، مکر آنان به گونه‌ای است که ممکن است کوه‌ها را از بین ببرد (جعفری، ۱۳۷۹: ۸) در صورتی که اکثر مترجمان آلمانی زبان آن را مثبت و شرطی تلقی کرده‌اند.

۲. نفی

فریدریش روکرت (۲۰۰۱):

"Sie aber listeten ihre List, Und nun ist ihre List bei Gott, ihre List vermochte nicht soviel, daß davon Berge wankten."

«آن‌ها مکر کرده‌اند ولی مکرشان در نزد خداست. نیرنگ آنان به اندازه‌ای نیست که کوه‌ها از آن به لرزه درآید.»

۳. بدون بیان مفهومی از شرط یا نهی

محمد احمد رسول (۲۰۰۳):

"Die Ungläubigen haben heimlich hinterlistige Pläne geschmiedet, die Gott kennt. Damit wollten sie Gottes felsenfeste Offenbarung zunichte machen."

«کافران در نهان دسیسه می‌کنند. خدا از آن باخبر است. آن‌ها با این (دسیسه‌های پنهانی) می‌خواستند وحی تزلزل‌ناپذیر خداوند را نابود سازند.»

بنابراین، تنها فریدریش روکرت (۲۰۰۱) به نکته شرح داده‌شده توجه کرده و «إن» را نافیه و جمله را منفی ترجمه کرده است. بررسی این ترجمه‌ها نشان می‌دهد که توجه به ساختار و

تغییرات واژه و بررسی قواعدی که باعث این تغییرات شده، در رسیدن به معنای صحیح آن نقشی اساسی دارد.

۲. آسیب‌های فقهی (بی‌اطلاعی مترجم از علم فقه و ناتوانایی وی در درک آیات الاحکام)

بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم به احکام و قوانین شرعی مورد نیاز بشر در موضوعات مختلف از قبیل اجاره، ارث، ازدواج، طلاق، اطعمه و اشربه، امر به معروف و نهی از منکر، اعتکاف، جهاد، حج، صلح، طهارت، نماز، روزه، خمس، زکات، نذر، قسم، عهد، کفاره، امانت و شهادت اختصاص دارد که در اصطلاح مفسران و فقیهان اسلامی به «آیات الاحکام» شهرت یافته است. بنابراین، مترجم قرآن باید با دانش فقه آشنا باشد تا در مواقع لزوم از آن بهره گیرد و در ترجمه آیات الاحکام دچار خطا نشود.

با مقایسه و بررسی ترجمه‌های قرآن می‌بینیم کسانی که از دانش فقه بهره‌ای نداشته یا به مسائل فقهی توجه نکرده‌اند، در این باره دچار خطاهای متعددی شده‌اند. برای روشن ساختن اهمیت و تأثیر دانش فقه در ترجمه قرآن، به یک نمونه اشاره می‌کنیم.

* حکم تیمم

«فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ.» (نساء/۴۳)

حرف «باء» در «فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ» به این معناست که مسح تمام صورت لازم نیست و گرنه می‌فرمود «فَامْسَحُوا وُجُوْهِكُمْ.» همان‌طور که در سوره مائده آیه ششم فرموده است: «فاغسلوا وجوهكم» و «ایدیکم» عطف بر «وجوهکم» است (طیب، ۱۳۷۸: ۹۰). بنابراین مفاد آن این است: در تیمم بخشی از صورت (پیشانی) و بخشی از دست (روی دست از مچ تا سر انگشتان) باید مسح شود. پس ترجمه دقیق که تمام معنای آیه را برساند این است:

«و اگر آب نیافتید آهنگ خاکی پاک کنید و از آن بخشی از صورتتان و بخشی از

دست‌هایتان را مسح کنید.»

حال ترجمه‌ها را مرور می‌کنیم.

رودی پارت (۲۰۰۰):

"und wenn ihr kein Wasser findet (um die Waschung vorzunehmen), dann sucht einen sauberen (oder: geeignet, w. guten) hochgelegenen Platz auf und streicht euch über das Gesicht und die Hände!"

«و اگر آب نیافتید (تا خود را بشوید)، مکان پاکیزه (یا مناسب، تحت‌اللفظی خوب) مرتفع را بیابید و روی صورت و دست‌ها بکشید.»

در این قسمت از آیه دو نکته فقهی وجود دارد. اول آنکه «صعید» به معنای خاک است. «می‌گویند آهنگ خاک پاک کنید، خاکی خشک آزاد از آمیغ و طیب آن است که نه پلید باشد و نه آمیخته با چیزی» (مبیدی، ۱۳۷۱: ۵۲۰). البته، بعضی «صعید» را سطح زمین نیز می‌نامند، اعم از اینکه خاک باشد یا سنگی که خاک روی آن نیست (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۷: ۶۰۲). پارت (۲۰۰۰) واژه «صعید» را مکان مرتفع ترجمه کرده است. بر اساس حدیثی از امام صادق (ع)، مرتفع بودن زمین کنایه از پاکیزه بودن آن است؛ چون اگر زمین گود باشد، جایگاه کثافات می‌شود و آب در آن می‌ماند و لجن می‌شود (ر.ک. شیخ صدوق، ۱۳۷۲: ۲۸۳). با این حال واژه «صعید» به معنای «خاک» است، نه مکان مرتفع. نکته دوم اینکه پارت (۲۰۰۰) به نقش حرف «باء» در آیه «فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ» توجهی نکرده است، تا ترجمه‌ای درست از حکم «تیمم» کرده باشد.

عادل تئودر خوری (۲۰۰۷):

"und wenn ihr kein Wasser findet, dann sucht einen sauberen Boden und streicht euch über das Gesicht und die Hände."

«و اگر آب نیافتید، خاک پاکی را بیابید و بر صورت و دست‌ها بکشید.»
هر چند خوری (۲۰۰۷) ترجمه‌ای صحیح از واژه «صعید» کرده است، ولی او نیز همانند پارت (۲۰۰۰) به نقش حرف «باء» در آیه «فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ» بی‌توجه بوده است.

احمد فون دنفر (۱۹۹۸):

"und ihr findet kein Wasser, so begeht euch zu gutem Boden und streicht damit über eure Gesichter und eure Hände."

«و اگر آب نیافتید، آن‌وقت به خاکی خوب روی آورید و بر صورت‌ها و دستانتان بکشید.»

در این ترجمه دنفر (۱۹۹۸) واژه «طیب» به معنای طاهر و پاک را «خوب» ترجمه کرده است که معنای اصلی را نمی‌رساند. همچنین، در ترجمه او نیز همانند دو ترجمه بالا به حرف «باء» در «فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ» توجه نشده و ترجمه‌ای متفاوت از «فَأَمْسَحُوا وَوُجُوهِكُمْ» ارائه نشده است.

هارتموت بوبسین (۲۰۰۵):

"Und wenn ihr dann kein Wasser findet, dann sucht einen guten Hügel und streichet über euer Angesicht und eure Hände."

«و اگر آب نیافتید، آن وقت تپه خوبی را بیابید و بر صورت و دستانتان بکشید (وی در پانوشت توضیح داده است که بسیاری از مفسران عقیده دارند منظور از تپه، پشته‌ای از شن خالص است).»

بوبسین (۲۰۰۵) نیز به هر دو نکته فقهی موجود در این آیه بی‌اعتنا بوده و ترجمه‌ای درست از حکم تیمم نکرده است.

ماکس هنینگ (۲۰۰۷):

"...und findet kein Wasser, dann nehmt dafür guten Sand und reibt euer Gesicht und eure Hände ab."

«... (هرگاه) آبی نیافتید، آن وقت شن خوبی را انتخاب کنید و بر صورت و دست‌ها بکشید.»

در این ترجمه نیز هنینگ (۲۰۰۷) عبارت «صَعِيدًا طَيِّبًا» را «شن خوب» معنا کرده است که مفهوم اصلی را نمی‌رساند. همچنین، همانند مترجمان قبلی به ترجمه حرف «باء» در «فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ» بی‌توجه بوده است.

امیر محمد ادیب زیدان (۲۰۰۰):

"...und kein Wasser finden könnt, dann sucht reine Erdoberfläche und streicht euch über eure Gesichter und Hände (bis zu den Ellbogen)."

«... و نتوانستید آبی پیدا کنید، آنگاه سطح زمینی پاک را بیابید و بر صورت‌ها و دستانتان (تا آرنج) بکشید.»

بررسی این ترجمه‌ها نشان می‌دهد که تنها زیدان (۲۰۰۰) به ترجمه حرف «باء» در «فَأَمْسَخُوا بُوْجُوْهِكُمْ» توجه کرده است، ولی ترجمه او نیز کامل و صحیح نیست.

آن مقدار از صورت و دست که باید مسح شود در فتاوی آمده است و جالب اینکه طریقه مسح در هر مذهبی متفاوت ذکر شده است.^۲ زیدان (۲۰۰۰) نیز با توجه به اینکه اهل سنت است، آن مقدار را در ترجمه ذکر کرده است: «مسح تمام صورت و مسح دست‌ها از نوک انگشتان تا آرنج». این اعمال عقیده در ترجمه قرآن صحیح نیست. البته، این مبحث در قسمت «آسیب‌های مبانی کلامی و گرایش‌های فکری» به طور کامل شرح داده خواهد شد. آنچه در این قسمت قابل ذکر است، عدم توجه کافی اکثر مترجمان آلمانی زبان قرآن به مسائل فقهی و عدم احاطه آنان به تفسیر آیات الاحکام است.

۳. آسیب‌های واژگانی

واژگان در ترجمه قرآن کریم اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این واژگان است که نظام معنایی قرآن کریم را شکل می‌دهد. میزان توفیق مترجم در این مرحله، هم به فهم دقیق و انتخاب درست او در معادل‌یابی واژگان و حفظ یکدستی و نظام‌مندی در کار ترجمه بازمی‌گردد و هم به اینکه زبان ترجمه و برابری را که انتخاب کرده تا چه اندازه توانسته نقش و روابطی را بازتاباند که میان مفاهیم واژگانی قرآن وجود دارد. بررسی آثار ترجمه‌شده قرآن، اشتباه‌های فراوانی را آشکار می‌سازد که ناشی از بی‌دقتی در بررسی واژه‌ها و در نتیجه معادل‌یابی نادرست از آن‌هاست.

* واژه «قرآن»

آنچه از «قرآن» در ذهن ما نقش می‌بندد، تنها «کتاب آسمانی» است. واژه «قرآن» هفتاد بار در قرآن کریم به همین معنی به کار رفته و فقط دو بار در سوره اسراء به معنای «نماز» آمده است.

۲. در مذهب تشیع پیشانی از رستگاه مو تا سر بینی و پشت دست‌ها از بالا به پایین مسح می‌شود. درست مانند وضو که دست‌ها از آرنج تا نوک انگشتان شسته می‌شود.

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ» (الاسراء/۷۸)

«نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه‌شب) برپادار. و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را.»

اکنون ترجمه‌های آلمانی این آیه را بررسی می‌کنیم تا مشخص کنیم که آیا مترجم تنها به معنای تحت‌اللفظی واژه «قرآن» توجه کرده یا ارتباط این واژه و هماهنگی آن با واژگان هم‌جواریش را نیز در نظر گرفته است.

هانس سیرکر (۲۰۱۲):

"Verrichte das Gebet beim Neigen der Sonne bis zum Dunkel der Nacht und die Rezitation -den Koran - bei Tagesanbruch!"

«نماز را به هنگام زوال خورشید تا تاریکی شب و از بر خواندن (قرآن) به هنگام سپیده‌دم را برپادار!»

سیرکر (۲۰۱۲: ۱۵) در کتاب خود *قرآن؛ مدخل‌ها و شیوه‌های قرائت* نوشته است که واژه «قرآن» از زبان سریانی عاریه گرفته شده و به معنای «خطابه»، «ازبرخواندن» و یا «قرائت» است. زجاج معتقد است که نماز بدون قرائت ممکن نیست، چرا که خداوند در این آیه نخست می‌فرماید: نماز را به‌پادار، و از پی آن می‌فرماید: «قرآن فجر» را نیز به‌پادار. نتیجه این می‌شود که نماز نیز قرائت قرآن است، چرا که از نماز به قرآن تعبیر شده و نماز بدون قرائت ممکن نیست (الطبرسی، ۱۳۷۷: ۶۶۸). بنابراین، پیام مهم آیه مذکور این است که می‌خواهد به ما خواندن و به‌جا آوردن نمازهای پنج‌گانه روزانه و وقت آن‌ها را یادآور شود و باید هر مسلمانی در این وقت‌ها نمازهای روزانه‌اش را که واجب است به‌جا بیاورد. با توجه به این مطالب، معادل صحیح برای عبارت «قرآن فجر» نماز بامدادی است که معنای اصلی را می‌رساند.

رودی پارت:

"Verrichte das Gebet, wenn die Sonne sich (gegen den Horizont) neigt, bis die Nacht dunkelt! Und die Rezitation des frühen Morgens!"

«نماز را از آن زمان که خورشید از حدود خط افق پایین می‌آید تا تاریکی شب و از بر خواندن (قرآن) سپیده‌دم را برپادار!»

در اینجا نیز مترجم ترجمه‌ای تحت‌لفظی از واژه قرآن ارائه داده است که با توجه به بافت آیه و حکم نماز صحیح نیست.

عادل تئودر خوری (۲۰۰۷):

"Verrichte das Gebet beim Neigen der Sonne bis zum Dunkel der Nacht, und (auch) die Koranlesung bei Tagesanbruch."

«نماز را به هنگام زوال خورشید تا تاریکی شب و (نیز) قرائت قرآن به هنگام سپیده‌دم را برپادار.»

این ترجمه هم تحت‌لفظی است و مترجم به هماهنگی واژگان مجاور و مترادف واژه «صلاة» با «قرآن» بی‌اعتنا بوده است.

محمد احمد رسول (۲۰۰۳):

"Verrichte die Gebete von dem Moment an, da die Sonne beginnt, sich dem Horizont zuzuneigen, bis die Dunkelheit eintritt, und verrichte das Frühmorgengebet."

«نماز را از لحظه‌ای که خورشید از خط افق پایین می‌آید تا تاریکی هوا برپادار و نماز سپیده‌دم را (نیز) برپادار.»

این مترجم روش آزاد را برای ترجمه‌اش برگزیده است. لازم به ذکر است که در صورت اجرای کامل ترجمه آزاد، این روش نسبت به شیوه‌های دیگر ترجمه قرآن یعنی «ترجمه تحت‌لفظی» و «ترجمه تفسیری» ترجمه‌ای مرغوب و مطلوب به شمار می‌آید (معرفت، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

۴. آسیب‌های مبانی کلامی و گرایش‌های فکری

ترجمه در همه سطوح زبانی (واژگان، نحو و آوا) تحت تأثیر عوامل فرازبانی است. یکی از این عوامل، مبانی کلامی و گرایش‌های فکری است که ذهنیت را در گزینش معادل‌های زبان مقصد حاکم می‌کند و باعث می‌شود که ترجمه‌های گوناگونی از یک متن واحد صورت گیرد. وجود باورها و گرایش‌های فکری مترجم باعث می‌شود تا متن اصلی را به شیوه‌ای ترجمه کند که با آن باورها و گرایش‌ها سازگار باشد. از آنجا که هر ترجمه خود نوعی تفسیر است، جلوگیری از رسوخ دیدگاه‌ها و باورهای اعتقادی مترجم در ترجمه کاری بسیار دشوار است.

حال سعی می‌کنیم تا چند مورد از مسائلی را در ترجمه‌های آلمانی‌زبان قرآن بررسی کنیم که مورد اختلاف مذاهب یا حتی فرق اسلامی است تا نقش گرایش‌های فکری و پیش‌فرض‌های عقیدتی مترجمان در صحت ترجمه آشکار شود.

* آیات قرآن بیانگر تحریف تورات

در چند آیه از آیات قرآن کریم از تحریف تورات سخن به میان آمده است. برای بررسی این آیات ترجمه خاخامی یهودی به نام لودویک اولمان را انتخاب کرده‌ایم تا نقش گرایش‌های فکری مترجم در ترجمه قرآن را بهتر به تصویر بکشیم.

«أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَغْلَمُونَ» (بقره/۷۵)

«آیا طمع دارید که یهودان به (دین) شما بگردند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند.»

لودویک اولمان (۱۹۵۹):

مثال ۱.

"Ihr wollt, daß sie euch glauben sollen? Ein Teil hat wohl Allahs Wort vernommen und begriffen, dann aber mit Absicht verdreht, gegen besseres Wissen, in Kenntnis der Folgen."

«آیا شما (مسلمانان) می‌خواهید که آن‌ها (یهودیان) به‌اجبار به شما ایمان بیاورند؟ چه بسا گروهی کلام خدا را شنیده‌اند و درک کرده‌اند، با وجود این به عمد آن را تحریف کرده‌اند، در صورتی که معنای آن را می‌دانستند و از عواقبش آگاه بودند.»

اولمان (۱۹۵۹: ۲۸) در پانوشت نیز درباره قسمت اول آیه می‌نویسد:

"Mohammad warnt seine Anhänger vor Bekehrungsversuchen von Juden zu Moslems. Es ist auffällig, dass sich Judentum und Islam betont feindlich gegenüberstanden."

«محمد به مسلمانان هشدار می‌دهد که برای تغییر دین یهودیان به اسلام تلاش نکنند. واضح است که ادیان یهودیت و اسلام خصمانه در تقابل یکدیگرند.»
با وجودی که اولمان (۱۹۵۹) ترجمه صحیحی از آیه مورد بحث ارائه کرده است، اما نگرش عقیدتی خود را در پانویس به نویسنده القا می‌کند و این رویه را در ترجمه آیات دیگر نیز ادامه داده است تا به نوعی فهم خواننده با عقاید او همسو شود.

مثال ۲.

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/۷۹)

«پس وای بر کسانی که نوشته‌ای را با دست‌های خود می‌نویسند، آنگاه می‌گویند: این از جانب خداست تا بدین وسیله بهایی اندک به دست آورند. پس وای بر آنها از آنچه دست‌هاشان نوشت و وای بر آنها از آنچه (در برابر این تحریف) به دست می‌آورند!»

مثال ۳.

"Wehe denen, welche die Schrift mit eigenen Händen schreiben und geringen Gewinnes

wegen sagen: 'Dies ist von Allah.' Wehe ihnen wegen ihrer Hände Schrift und wehe ihnen wegen ihres geringen Gewinnes dafür!"

«وای بر آنانی که برای بهایی اندک نوشته‌ای را با دست‌های خود می‌نویسند و می‌گویند: این از جانب خداست. وای بر آنان به خاطر آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آنان به خاطر بهایی اندک که از این راه به دست می‌آورند.»

اولمان (۱۹۵۹) در توضیح این آیه نیز نوشته است:

"Mohammad beschuldigt hier die Juden der Verfälschung der Heiligen Schrift, besonders der auf ihn bezogenen Stellen."

«محمد در اینجا یهودیان را در تحریف کردن کتاب مقدس مقصر می‌داند، به ویژه در تحریف آن مواضعی که به او مربوط می‌شود.»
او تلاش می‌کند تا به خواننده القا کند که قرآن کریم نه سخن خداوند، بلکه سخنان شخصی است که خود را پیامبر خدا می‌نامد.

* اصل یگانه پرستی

نخستین اصل در اسلام توحید و یگانه‌پرستی است و سخن در قرآن نیز با نام خدای واحد آغاز می‌شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». حال ترجمه‌ای را بررسی می‌کنیم که در آن مترجم مسیحی، عقیده تثلیث مسیحیت را در ترجمه این آیه همراه کرده است.

دیوید فریدریش مگرلین (۱۷۷۲):

"Im Namen des Dreyeinigen Gotte"

«به نام پدر، پسر، روح القدس»

مگرلین (۱۷۷۲) تلاش کرده است تا از ترجمه برای اشاعه افکار و عقاید خود استفاده کند. این استفاده ابزاری و تبلیغاتی مترجم نه تنها باعث دور شدن ترجمه از متن اصلی می‌شود، بلکه اعتماد خواننده را نیز از ترجمه سلب می‌کند. اما نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه کرد این است که آسیب‌های مبانی کلامی و عقیدتی تنها در اختلاف میان مذاهب به وجود نمی‌آید، بلکه این لغزش‌ها را می‌توان در میان مباحث مورد اختلاف میان فرق اسلامی مانند عصمت پیامبر، رؤیت خداوند، جبر و اختیار یا حتی موارد مورد اختلاف در یک فرقه نیز مشاهده کرد و طبیعی است که هر ترجمه از قرآن بر اساس مبانی کلامی و عقیدتی مترجم صورت گیرد.

* علم پروردگار به اعمال بندگان

مثال:

«...و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب» (حدید/۲۵)

«...تا خدا معلوم بدارد چه کسی او و فرستادگانش را در نمان یاری می‌کند.»

منظور از علم خداوند در اینجا تحقیق عینی علم اوست، یعنی تا آشکار شود چه کسانی به یاری خدا و مکتب او به پامی‌خیزند و قیام به قسط می‌کنند و چه کسانی از این وظیفه بزرگ سربازمی‌زنند. اما بعضی‌ها شبهه عدم احاطه علم پروردگار را در افعال بندگان القا می‌کنند تا مسئله جبر و اختیار را توجیه کنند (ر.ک. مسعودی، ۶۹)

در میان مذاهب اسلامی، درباره مسئله جبر و اختیار می‌توان سه نظریه را برشمرد: نظریه اول مربوط به اشاعره است که همه افعال و کردار انسان را مخلوق خداوند می‌دانند و هیچ گونه اختیاری برای انسان قائل نیستند و انسان را در اعمال خود مجبور می‌دانند. نظریه دوم مربوط به معتزله است که قائل به آزادی مطلق انسان در کارهای خویش‌اند. علاوه بر این دو فرقه، فرقه امامیه و شیعیان‌اند که در مسئله خلق اعمال قائل به امر بین‌الامرین‌اند. امام صادق (ع) در این خصوص فرموده‌اند: «الاجبر و لاتفویض، بل امر بین‌الامرین». به عقیده ایشان هم معتزله و هم اشاعره در مسئله خلق اعمال راه افراط و تفریط پیموده‌اند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۱۹۸-۱۹۹).

اکنون ترجمه‌های آلمانی این قسمت از آیه را بررسی می‌کنیم که بر اساس نظریات مختلف است.

احمد فون دنفر (۱۹۹۸):

"...und damit Allah weiß, wer Ihm und Seinem Gesandten im Verborgenen hilft"
«و تا اینکه خداوند بداند که چه کسی او و فرستاده‌اش را در خفا یاری می‌کند.»

فرانک بوینهایم و نادم الیاس (۲۰۰۲):

"...damit Allah kennt¹, wer Ihm und Seinen Gesandten im Verborgenen hilft."
«تا اینکه خداوند بداند* چه کسی او و فرستادگانش را یاری می‌کند.»
در پانوشت این ترجمه اضافه شده است:

"D.h.: Vor sich selbst und vor den Menschen kenntlich macht."

«منظور از دانستن خداوند مشخص ساختن آن برای خود و بشر است» (بوینهایم، ۲۰۰۲: ۵۴۱).

دو ترجمه بالا این شبهه را به وجود می‌آورند که خداوند خود نمی‌داند چه کسی به یاری مکتبش خواهد آمد. بنابراین، این ترجمه‌ها با دیدگاه معتزله سازگار است که معتقدند خداوند گردش نظام هستی را به دست نوامیس طبیعی و اختیار بشر را به دست خود او سپرده و خود هیچ گونه نقشی در حوادث و پدیده‌های روزمره جهان و اعمال مردم ندارد. اما اکثر ترجمه‌های آلمانی این آیه، علم مطلق خداوند را تصریح می‌کنند که به دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

عادل تنودر خوری (۲۰۰۷):

"...Gott wollte feststellen, wer Ihn und seine Gesandten unterstützt, auch in Abwesenheit"

«خداوند می‌خواست معلوم بدارد که چه کسی او و فرستادگانش را حتی در خفا یاری

می‌کند.»

امیر محمد ادیب زیدان (۲۰۰۰):

"...und damit ALLAH kenntlichmacht, wer Seinem (Din) und Seinen Gesandten im Verborgenen beisteht. Gewiß, ALLAH ist allkräftig, allwürdig."

«تا اینکه خداوند معلوم بدارد که چه کسی دین او و فرستادگانش را در خفا یاری می‌کند.»

نتیجه

بررسی عوامل آسیب‌زا در ترجمه‌های آلمانی قرآن نشان می‌دهد که مترجم باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی خاصی باشد تا بتواند ترجمه‌اش را از گزند آسیب‌های فوق‌مصون نگه دارد و ترجمه‌ای تا حد امکان کامل از قرآن ارائه دهد. این ویژگی‌ها با توجه به مطالب ذکر شده به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود.

۱. تسلط به نظام ساختاری زبان مبدأ و مقصد. یعنی، آگاهی کامل از صرف، نحو، معانی و بیان عرب و نیز تسلط نسبی بر ادبیات زبان مقصد؛ برای مثال زبان آلمانی برای مترجم آلمانی‌زبان. در اینجا وظیفه مترجم حفظ ساختارهای مشابه در دو زبان نیست، بلکه وظیفه او این است که محتوا و پیام ساختار زبان مبدأ را در قالب‌هایی از زبان مقصد ارائه کند که همان پیام را به خواننده منتقل می‌کند.

۲. آگاهی از علم فقه، برای فهم و ترجمه و تفسیر آیات الاحکام. تسلط بر دانش فقه و مبنای آن و نیز دانش تفسیر از ابتدایی‌ترین مقدمات ترجمه آیات الاحکام است. بنابراین، فردی صلاحیت ابراز نظر در این مورد را دارد که روش‌های استنباط احکام از ادله را رعایت کند.

۳. پرهیز از ترجمه تحت‌اللفظی واژه، بدون توجه به بافت آیه و نقش و ارتباط و هماهنگی

واژگان هم‌جواری

۴. عدم دخالت باورها و پیش‌فرض‌های خاص کلامی، فلسفی و فرهنگی در ترجمه افزون

بر اصول کلی ترجمه. یعنی، تسلط کامل بر زبان مبدأ، زبان مقصد، تسلط بر گستره علمی (که

متن اصلی به آن تعلق دارد) و امانت‌داری. توجه به تأثیر باورها و پیش‌فرض‌های کلامی و عقیدتی در روند ترجمه نیز لازم است. البته، جلوگیری از رسوخ پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌های مترجم در ترجمه بسیار مشکل است، ولی مترجم می‌تواند با دقت بیشتر، تأثیر این عناصر را در ترجمه به حداقل برساند.

در پایان برای رفع یا حداقل کاهش این عوامل آسیب‌زا در ترجمه قرآن کریم به زبان‌های گوناگون به‌خصوص زبان آلمانی و به منظور دستیابی به ترجمه‌ای برتر و تسهیل در فهم بهتر و کامل‌تر آیات قرآنی و نیز عدم دخالت باورها و پیش‌فرض‌های مترجم که نتیجه تک‌نگاری‌های وی در ترجمه است، پیشنهاد می‌شود که با تشکیل گروه‌های متخصص در زمینه‌های گوناگون علوم، ترجمه گروهی از قرآن شکل گیرد.

References

- Ahmad Rasoul, M. (2003). *Der Heilige Quran* (the Holy Quran). Ghom: Ansarian Publications.
- Azimpour, A. (1383/2004). *Ekhtelafe Tarjomeha-ye Quran-e Karim*. (The Difference Among Quranic Translations). Mahrang Publications.
- Bobzin, H. (2005). *Koran - Lesebuch* (Quran - Reading Book). Freiburg: Herder Publications.
- Bubenheim, F. (Scheich Abdullah as-Samit), Elyas, N. (2002). *Der edle Qur'an und die Übersetzung seiner Bedeutung in die deutsche Sprache* (The Noble Quran and the translation of its meaning in the German language). 1. Auflage. Medina: König- Fahd Publications.
- Derakhshan Moghaddam, P. and Narendji, F. (1388/2009) *Baresiye Tarjomehaye almaniye Quran* (A Study of Different Translations of Koran into German), Tehran University Publications. Pazuhesh-e Zabanha-ye Khareji Journal No. 52.
- Haddadi, M.H. and Narendji, F. (1388/2010). *Naqhd wa baresiye Tarjomeye Almani Qhoran motealeqh be fergheye Qhadianiye ba estenad be sureye Hamd*. (A review of Mirza Bashir-al-din Mahmud Ahmad's Translation of the Holy Quran Focusing on Surah Hamd). Tehran University Publications. Pazuhesh-e Zabanha-ye Khareji Journal No. 55.
- Haggak, M.M. (2001). *Deutscher Koran-Übersetzungen und ihr Islambild*. In: Walter Beltz und Jürgen Tubach (Herg.), *Religiöser Text und soziale Struktur*. Halle (Saale): Halesche Beiträge zur Orientwissenschaft publications. No. 31.

- Henning, M. (2007). *Der Koran. Überarbeitet und herausgegeben von Murad Wilfried Hofmann* (The Koran. Edited and published by Murad Wilfried Hofmann). Kreuzlingen/München: Heinrich Hugendubel Publications.
- Jafari, Y. (1379/2000). *Bahsi piramoone ma'ānaye "in" dar Ayeye "Wa in kāna makruhum litazūla minhu l-jibāl"* (A Study on "in" in the Verse "Wa in kāna makruhum litazūla minhu l-jibāl"). Qom: Tarjomane Vahy Publications. No. 8.
- Karbasi, M. (1374/1995). *Negahi be tarjomeye Qurane Karime Mohammad Mehi Fuladvand* (A Glance at the Mohammad Mehdi Fuladvand translations of the Quran). Qom: Faslnameye Hoze va Daneshgah Publications. No. 3.
- Karimi Niya, M. (1382/2003). *Negahi be Tarjome-ye jadide Almani-ye Quran az Siegrid Yamini*. (A Glimpse at a new German version of the Quran by Mrs. S. Yamini). Qom: Tarjomane Vahy Publications. No. 14.
- Khoury, A.T. (2007). *Der Koran* (The Quran). München: Gütersloher Verlagshaus.
- Maibodi, R. (1371/1992). *Kashfol asrar wa odatol abrar*. Tehran: Amirkabir. Publications.
- Mansuri, M. (1379/2000). *Ta'moli bar nogat qawat wa za'fe tarjomeye Rudi paret* (Reflections on Certain Strengths and Weaknesses of R. Paret's German Translation of Quran). Ghom: Ansarian Publications.
- Marifat, M.H. (1383/2004). *Tarikhe Quran* (The History of the Quran). Tehran: Samt Publications.
- Megerlin, D.F. (1772). *Die türkische Bibel*, Frankfurt am Main: Johann Gottlieb Garbe Publications.
- Paret, R. (2000). *Der Koran* (The Quran). Ghom: Ansarian Publications.
- Rabbani Gulpayegani. (1383/2004). *Feraqh wa Mazahebe Kalami*. (Theological sects and schools). Markaze Jahani Ulume Eslami Publications.
- Radscheit, M. (1386/2007). *Negahi be tarjomeha-ye hazere Quran be zabane Almani* (A Glimpse into the German translations of the Quran). Trans. Mohammad Akhgari, Qom: Tarjomane Vahy Publications. No. 22.
- Rezai Isfahani, M. A. (1386/2007). *Asib shenasiye tarjomehaye Quran* (Pathology of Koranic Translation) Mashhad: Fasl Nameye Pajuhesh. No. 44
- Rückert, F. (2001). *Der Koran. Herausgegeben von Hartmut Bobzin. Mit erklärende Anmerkungen von Wolf Dietrich Fischer* (The Koran. Edited by Hartmut Bobzin. With explanatory notes by Wolf Dietrich Fischer). 4. Auflage. Würzburg: Ergon Publications.

- Shaykhe Sadūq (Ibn Bavie), M.A (1372/1993). *Maānī el Akhbār*. Trans. Abdul Ali Mohammadi shahrudi Tehran: Darel Ketābel Islāmī.
- Tayeb, A. (1378/1999). *Atayebul Bayan fi Tafsirol-Quran*. Tehran: Islam Publication. Vol. 5.
- Tabarssi, F.H. (1377/1998). *Tafsire javame ol-jame*. (Interpretation of Javame ol-Jame). Trans. A. Amiri Shahmiri. Mashhad: Astan Ghods Razawi Publications. Vol. 1
- Von Denfer, A. (1998). *Der Koran* (The Quran). fünfte verbesserte Auflage. München: Islamisches Zentrum München Publications.
- Zaidan, A.M.A. (2000). *Atafsir Eine philologisch, islamologisch fundierte Erläuterung des Quran Textes* (At-tafsir-A philological, islamologisch profound explanation of the Quranic text). Offenbach: Adib Publications.
- Zirker, H. (2012). *Der Koran Zugänge und Lesearten* (The Koran and read access types). Darmstadt: Lambert Schneider Publications. 2. Auf.
- Ullmann, L. (1959). *Der Koran. Neubearbeitet und erläutert von L. W. Winter* (The Koran. Newly Edited and annotated by L. W. Winter). München: Wilhelm Goldmann Publications.

Archive of SID